


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمه تعالی



مقامات و احوال عرفان در نهج البلاغه

نویسنده :
محسن بابایی

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)
۱۳۹۵

سرشناسه: بابایی، محسن، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور: مقامات و احوال عرفان در نهج البلاغه / نویسنده محسن بابایی.
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۷۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۱۰۶-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- دیدگاه
درباره عرفان
موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- Views on mysticism
موضوع: علی بن ابی طالب (ع) -- امام اول -- ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه
-- عرفان
موضوع: Ali ibn Abi-Talib -- Imam I -- 600 - 661 . Nahjolbalaghah -- Mysticism
موضوع: عرفان
موضوع: Mysticism
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵/BP۳۸ ب ۲/ع ۴/۰۹
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۶۷۱۹۲

نام کتاب: مقامات و احوال عرفان در نهج البلاغه
مؤلف: محسن بابایی
ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵
چاپ: مدیران
قیمت: ۶۵۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۱۰۶-۸
تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------------------------------|--|
| ۱۱ | چکیده |
| ۱۳ | مقدمه |
| فصل اول : کلیات عرفان | |
| ۱۷ | مقدمه |
| ۱۷ | ۱-۱) تعریف عرفان در لغت و اصطلاح |
| ۱۷ | الف) تعریف لغوی عرفان |
| ۱۹ | ب) تعریف اصطلاحی عرفان |
| ۲۰ | ۲-۱) تاریخچه |
| ۲۰ | ۳-۱) رابطه عرفان با اسلام |
| ۲۱ | ۴-۱) انواع عرفان |
| ۲۲ | ۵-۱) مبانی عرفاء |
| ۲۲ | ۶-۱) طریقت، شریعت، حقیقت |
| ۲۴ | ۷-۱) آشنایی با مقامات و حالات در عرفان |
| ۲۵ | ۸-۱) واژه های پر کاربرد در مبحث عرفان |
| ۲۵ | الف) معرفی اجمالی واژه های پر کاربرد در مبحث عرفان |



| صفحه | عنوان |
|---------------------------------------|--|
| ۲۵ | ۱) تقوی |
| ۲۶ | ۲) ورع |
| ۲۷ | ۳) زهد |
| ۲۹ | ۴) تعبّد |
| ۳۰ | ۵) تصوّف |
| ۳۰ | ب) رابطه عرفان با هر یک از واژه های مترادف |
| ۳۱ | ۱-۹) تفاوت عارف با عالم و حکیم و فیلسوف |
| فصل دوم : عرفان در نهج البلاغه | |
| ۳۵ | مقدمه |
| ۳۵ | ۱-۲) ضرورت و اهمیت بررسی شاخصه های عرفان امام علی علیه السلام |
| ۳۶ | ۲-۲) هدف عرفان از دیدگاه امام علی علیه السلام |
| ۳۷ | ۲-۳) اختلافات اساسی مکتب عرفانی نهج البلاغه با مکاتب دیگر |
| ۴۲ | ۲-۴) معرفی عرفان واقعی و عارف در سخنان حضرت علی علیه السلام |
| ۴۹ | ۲-۵) جایگاه شناخت ساحت های سه گانه در عرفان از دیدگاه امام علی علیه السلام ... |
| ۵۱ | ۲-۶) مقامات و حالات در عرفان از دیدگاه امام علی علیه السلام |
| ۵۱ | الف) مقامات عرفان از دیدگاه امام علی علیه السلام |
| ۵۱ | ۱) توبه |
| ۵۲ | ۲) شناخت مقام سخن و سکوت |
| ۵۴ | ۳) مبارزه با نفس |
| ۵۵ | ۴) عزلت و تفرید |
| ۵۶ | ۵) ورع |
| ۵۶ | ۶) زهد |
| ۵۸ | ۷) فقر |



| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۵۹ | ۸ صبر |
| ۶۰ | ۹ توکل |
| ۶۱ | ۱۰ رضا |
| ۶۲ | ب) حالات از دیدگاه امام علی علیه السلام |
| ۶۳ | ۱) مراقبه |
| ۶۳ | ۲) قرب |
| ۶۵ | ۳) عشق و محبت |
| ۶۶ | ۴) خوف |
| ۶۷ | ۵) رجا |
| ۶۸ | ۶) شوق |
| ۶۹ | ۷) انس |
| ۷۰ | ۸) اطمینان |
| ۷۱ | ۹) یقین |
| ۷۱ | ۱۰) مشاهده |
| ۷۲ | نتیجه گیری |
| ۷۵ | منبع و مأخذ |

یا حبیبِ قلوب العارفین

ما سینه زدیم، بی صدا باریدند
از هر چه دم زدیم، آنها دیدند
ما مدعیان صف اول بودیم
از آخر مجلس شهدا را چیدند

با سلام و درود به پیشگاه منجی عالم بشریت، حضرت حجت ابن الحسن عجل الله تعالی فرجه و سهل الله مخرجه، این تحقیق تحفه ایست به پیشگاه آن حضرت (علیه السلام) و روح پاک شهداء که عرفان، سیر و سلوک را در مدرسه عشق به ولایت و تحت تعلیمات حسینی آموختند و به مقام قرب حق نائل شدند و در این راه حتی از ذره ذره های جسم خود هم دریغ نکردند و جان و جسم را به درگاه معشوق هدیه کردند.

هدیه به روح پاک ائمه اطهار علیهم السلام و شهدایی که با خون خود درخت اسلام را آبیاری نمودند، صلوات

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ عَجِّلْ فَرَجَهُم

با تشکر از پدر و مادر و همسر عزیزم و نیز جناب آقای دکتر فراهتی ریاست دانشگاه پیام نور کاشان که در طول نوشتن این اثر مرا یاری کرده و زحمات زیادی را متحمل شدند.

((اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَأَنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَأَنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَأَنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي))

(خدایا خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من شناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت، خدایا رسول خود را به من بشناسان که اگر او را به من شناسانی حجتت را نخواهم شناخت و اگر حجت خود را به من شناسانی در دینم گمراه خواهم شد.)

چکیده

معرفت و عرفان بمعنی ادراک و شناختن است. عرفان دانشی است که با بهره گیری از کشف و شهود توانسته است در طول تاریخ پاسخگوی نیازهای روحی و معنوی انسان باشد و در سایهٔ یک مکتب عرفانیِ راستین، انسان می تواند مراقبت از نفس خود را به عرصهٔ ظهور برساند. عرفان به عنوان یک دستگاه علمی و فرهنگی دارای دو بخش نظری و عملی می باشد که در این دو بخش با دین مقدس اسلام تماس و اصطکاک پیدا می کند.

عرفان در بخش نظری خود به تفسیر هستی می پردازد و دربارهٔ خدا، جهان و انسان بحث می نماید عرفان در این بخش مانند فلسفه الهی در مقام تفسیر و توضیح هستی می باشد.

همچنین عرفان در بخش عملی عبارتست از آن قسمت که روابط و وظایف انسان را با خودش، جهان و خدا بیان و توضیح می دهد. در این بخش توضیح داده می شود که سالک برای اینکه به قلهٔ رفیع انسانیت، یعنی توحید برسد از کجا باید آغاز کند و چه مراحل را باید طی کند و در بین راه چه احوالی برای او رخ می دهد. در اصطلاح عرفا آنچه بدون اختیار بر قلب عارف وارد می شود حال است و آنچه او آن را تحصیل و کسب می کند مقام است. حال زود گذر است ولی مقام باقیست.

خلاصه اینکه مقام کسبی است و سالک باید با ریاضت و مجاهده مقامی را بدست آورد و در آن بماند و چون شرطهای آن را به جا آورد به مقام دیگر رود اما حال وارد غیبی است و حالتی است که در دل سالک می افتد و مانند برقی می گذرد و دوام ندارد.

عرفا به سه اصطلاح، شریعت، طریقت و حقیقت معتقد اند. در نظر آنها شریعت وسیله یا پوسته‌ای است برای طریقت، و طریقت پوسته یا وسیله‌ای برای حقیقت. مبانی عارفانی که به عرفان ناب اسلامی و اصیل تمسک کرده‌اند در جهت نظری، بر گرفته از قرآن مجید و احادیث نبوی و فرموده‌های پیشوایان دین و در جنبه عملی، سیرت رسول الله صلوات الله علیه و آله وسلم و ائمه اطهار علیهم السلام و بزرگان دین می‌باشد.

از جمله مکاتب عرفانی راستین، مکتب مولا امیرالمؤمنان علی علیه السلام می‌باشد که خود از نمونه‌های بارز انسان کامل می‌باشند. از جمله آثاری که از این بزرگوار در این زمینه به ما رسیده است، کتاب شریف نهج البلاغه می‌باشد که سید بزرگوار معروف به سید رضی رحمت الله علیه، خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های مولا امیرالمؤمنان، علی علیه السلام را جمع آوری نموده و نام آن را نهج البلاغه نهاده است که بعد از قرآن و سخنان پیامبر صلوات الله علیه از بهترین کتب اسلامی و مشهور به اخ القرآن می‌باشد.

بیشتر عرفا مدعی اند که عرفان خود را با واسطه از امام المتقین، علی علیه السلام گرفته‌اند و سرسلسله خود را به زهد حضرت متصل می‌دانند. از طرفی بدعت‌ها، آداب ظاهری و زهدگرایی‌های افراطی در میان گروه‌های مختلف آنان هرگز با روحیه حق‌مداری، شریعت‌گرایی و تعادل اجتماعی حضرت علی علیه السلام سازگار نیست. درحالی که عرفان در نظر امیرالمؤمنین علیه السلام هدفی جز تعالی روح توحیدی افراد ندارد.

امام علی علیه السلام اساس و شالوده دین، معرفت خداوند و کمال شناخت حضرت حق را تصدیق و توحید الهی می‌دانند که باعث اخلاص انسان در تمامی مراحل زندگی و انجام همه امور می‌شود. برای رسیدن به اخلاص باید فرد مؤمن ابتدا ایمان خود را کامل نماید تا به بینش توحیدی برسد و برای هیچ کس یا هیچ چیز در مقابل خداوند، ارزشی قائل نشود، بلکه تنها به سوی معبود و محبوب حقیقی حرکت نماید. به همین خاطر مکتب عرفانی نهج البلاغه با دیگر مکاتب عرفانی اختلافات و تمایزات بسیاری دارد.

کلید واژه: عرفان، حال و مقام، تقوا، ورع، زهد، تعبد، تصوف

مقدمه

برای هر خردمند و باشعوری که اندکی در خویشتن فرو رود و ساعتی در حال خود اندیشه کند شک و شبهه‌ای باقی نخواهد بود که ما آفریدگان از خود چیزی نداریم و در برابر آفریننده خویش فقیر بالذات هستیم و در هر لحظه اگر فیض قیّاض مطلق به موجودات نرسد وجودی باقی نخواهد ماند.

خلاصه آنکه همه نیازمندیم، پس با این فقر و جودی و ناداری ذاتی، راه غفلت پیمودن و از صانع و معطی خود غافل بودن را جز بر نادانی و بی‌خردی به چیز دیگری حمل نمی‌توان کرد. عاقل آن کسی است که هر لحظه دست نیاز به درگاه خداوند بی‌نیاز دراز کند و دست‌گذاری به آستان آن بی‌نیاز باز نماید و هر چه می‌خواهد از او بخواهد و بداند که هر چه غیر اوست، همه محتاج به او هستند و از راه غفلت برای طلب آب به سراغ سراب نرود.

این خواستن را به لسان شریعت دعا و این عدم غفلت را به زبان اهل عرفان مراقبت، (یعنی عنان نفس خویش را به دست گیرد و آن را از جولان در غیر میدان بندگی منع کند و همواره نگهبان حال خویش بوده و پا از جاده بندگی بیرون نهد) می‌نامند.

در طول تاریخ مکاتب عرفانی بسیاری وجود داشته که خیلی از این مکاتب، تبلیغ عرفان‌های دروغین و کاذب بوده‌اند. در حالی که در سیر تاریخ اسلامی کسانی که مورد عنایت پروردگار بوده و جز خالق خود کسی را چاره ساز ندانسته و در راه طلب و تمنی برای او شریک نمی‌ساخته‌اند و راه مراقبت را به همکیشان خود ارائه نموده و در هدایت و ارشاد

هموعانشان از هیچ تلاشی دریغ ننموده اند، نمونه‌های بسیار و بی حدی می‌یابیم و صفحات تاریخ دینی و مذهبی ما به نام آنها مزین است. از جمله آن ذوات پاک و ارواح تابناکِ فردوس آرامگاه، پیامبران الهی و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند و از میان آن بندگان خالص و مراقبان واقعی، حضرت علی علیه السلام یکی از چهره‌های شاخص می‌باشند که آثار و احادیث بسیاری از آن بزرگوار در ارتباط با مراقبت نفس و خود سازی به ما رسیده است.

بی تردید نهج البلاغه یکی از منابع ارزنده معرفت در طول تاریخ اسلام، بلکه تاریخ اندیشه بشری است. در این اثر ارزشمند، مطالب مختلفی در حوزه علوم انسانی (نظری و عملی) و دانشهای عرفانی و علوم اجتماعی آمده است.

به جرأت می‌توان گفت که نهج البلاغه تمام آموزه‌ها و یافته‌های عرفانی را در بردارد. چون حضرت علی علیه السلام خود از مصادیق انسان کامل است و مقبولیت او هم زمینی و هم آسمانی است و همچنین با مقایسه مکتب عرفانی نهج البلاغه با دیگر مکاتب عرفانی انحرافی مثل عرفان مسیحیت، عرفان حلقه، عرفان سرخ پوستی و ... به تفاوت زیاد و غیر قابل انکار آنها پی می‌بریم و در می‌یابیم که عرفان نهج البلاغه با آنها قابل مقایسه نیست و تمامی آن عرفان‌ها مغلوب مکتب عرفانی نهج البلاغه اند.

روش تهیه این اثر کتابخانه‌ای و اغلب با بهره‌گیری از روش توصیفی و گاهی تحلیل است و هدف از گردآوری و تنظیم این مقاله اولاً آشنایی اجمالی نویسنده و سپس خوانندگان فرهیخته با مکتب عرفانی نهج البلاغه و روش تعلیمی، تربیتی حضرت علی علیه السلام و ثانیاً بیان تفاوت مکتب عرفانی راستین با مکاتب عرفانی انحرافی می‌باشد.

جای تأسف اینجاست که مکتب‌های عرفانی انحرافی، که حتی به گرد پای مکتب عرفانی حضرت علی علیه السلام هم نمی‌رسند و همگی مغلوب این مکتب هستند، چقدر در جامعه جهانی از مکتب خود تبلیغ می‌کنند و این همه انسانهای ساده لوح را به گمراهی کشانده و می‌کشانند. در حالی که ما شیعیان مولا علی علیه السلام که مکتبی به این ارزشمندی و اقتداری داریم هیچ کاری در زمینه تبلیغ آن نکرده ایم.



فصل اول

کلیات عرفان

مقدمه

باید دانست که دین مقدس اسلام، آیین معتد و دور از افراط و تفریط‌های بیجاست، از این جهت با روش مرتاضان و راهبان مسیحی و اعمال و رفتار خلاف عقل سلیم و اعتدال مخالف است. به همین دلیل در تعریف عرفان سخنانی را از بزرگان اسلامی می‌آوریم و برای طولانی نشدن بحث به ذکر چند نظریه از این بزرگان بسنده می‌کنیم. تصوف و عرفان دو واژه‌ای اند که در عرف معمولاً با هم به کار می‌روند و این دو واژه در معنایی مترادف به کار رفته‌اند.

۱-۱) تعریف عرفان در لغت و اصطلاح

۱-۱-۱) تعریف عرفان در لغت

معرفت و عرفان بمعنی درک و شناختن است.

در ترجمه مفردات راغب در مورد معرفه و عرفان آمده:

((المعرفة و العرفان: درک کردن و دریافت کردن چیزی است، از روی اثر آن با اندیشه و تدبّر که اخص از علم است و واژه انکار، نقطه مقابل و ضد آن است می‌گویند:

فَإِنَّ يَعْرفُ اللهُ و نمی‌گوید: يَعْلَمُ اللهُ تا متعدی به یک مفعول باشد زیرا معرفت بشر از خدای تعالی تدبّر در آثار او بدون ادراک ذات اوست و می‌گویند: اللهُ يَعْلَمُ كَذَا و نمی‌گویند يَعْرِفُ كَذَا زیرا معرفت در علم قاصری که با تفکر بدست می‌آید به کار می‌رود اصلش

از عَرَفْتُ است یعنی به بوی آن رسیدم نه خود آن و یا از عبارت اُصِبْتُ عَرَفْتُ: به گونه و رخسارش رسیدم.

خدای متعال می فرماید:

(فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا) (بقره/۸۹)

(فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ) (یوسف/۵۸)

(بر یوسف داخل شدند یوسف آنها را شناخت در حالیکه آنها او را نمی شناختند)

انکار، ضد معرفت و جهل، ضد علم است.

در قرآن کریم آمده:

((يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا)) (نحل/۸۳)

واژه عارف در سخن مردم مخصوص به معرفت خدای و ملکوت و شکوه او و شناخت و معامله نیکوی خدای تعالی با بندگان است. یا اینکه واژه عرفات اسمی است برای مکان و بقعه ی مخصوص، گفته اند: وجه تسمیه آن بر این است که در آنجا میان آدم و حوا معرفت و شناخت واقع شد و بلکه جهت حصول شناسایی و معرفت به خدای تعالی است از سوی بندگان به وسیله عبادات و ادعیه.^۱

۲-۱-۱) تعریف اصطلاحی

در توضیح و تعریف معنی عرفان در اصطلاح برای طولانی نشدن بحث به ذکر سخنانی چند از عرفا و سالکان راه عرفان بسنده می‌کنیم.

(۱) در کشف اصطلاحات فنون در تعریف صوفی و عارف آمده:

((در توضیح المذاهب گویند: اما تصوف در لغت صوف پوشیدن است و این اثر زهد و ترک دنیاست، و در اصطلاح اهل عرفان یعنی پاکیزه کردن دل است از محبت ماسوی الله و آراسته کردن ظاهر است من حیث العمل و الاعتقاد بالامورات و دور بودن از منهیات و مواظبت نمودن به فرموده رسول خدا صلوات الله علیه و...))^۲

(۲) ابوعلی سینا در اشارات درباره زاهد و عابد و عارف می‌نویسد:

((الْمَعْرِضُ عَنِ مَتَاعِ الدُّنْيَا وَ طَيِّبَاتِهَا يَخُصُّ بِاسْمِ الزَّاهِدِ وَ الْمُوَظِّبُ عَلَى فِعْلِ الْعِبَادَاتِ مِنَ الْقِيَامِ وَ الصِّيَامِ وَ نَحْوِهَا يَخُصُّ بِاسْمِ الْعَابِدِ وَ الْمُتَصَرِّفُ بِفِكْرِهِ إِلَى قُدْسِ الْجَبْرُوتِ مُسْتَدِيمًا بِشُرُوقِ نُورِ الْحَقِّ فِي سِرِّهِ يَخُصُّ بِاسْمِ الْعَارِفِ وَ قَدْ يَتَرَكَّبُ بَعْضُ هَذِهِ مَعَ بَعْضٍ))^۳

((یعنی اعراض کننده از مال دنیا و خوشیهای آن زاهد نام دارد، و کسی که بر عبادات مواظبت می‌کند عابد نام است، و آنکه در قدس جبروت می‌اندیشد و منصرف و متوجه آن است و پیوسته حالت تابش و اشراق نور حق در درونش هست، عارف است و بعضی از اینها با بعضی دیگر می‌آمیزند.))

شاهد و مورد نظر ما در این سخن ((الْمُتَصَرِّفُ بِفِكْرِهِ إِلَى قُدْسِ الْجَبْرُوتِ مُسْتَدِيمًا بِشُرُوقِ نُورِ الْحَقِّ فِي سِرِّهِ يَخُصُّ بِاسْمِ الْعَارِفِ)) می‌باشد.

میتوان از سخن جناب ابن سینا یک نتیجه گیری کلی کرد که از نظر ایشان عارف مقام بالاتر و والاتری از صوفی دارد و هر عارفی صوفی است ولی هر صوفی عارف نیست.

۲- سید ضیاءالدین سجادی، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، صفحه ۳

۳- همان، صفحه ۸

۲-۱) تاریخچه

اصطلاح عارف در قرن سوم هجری قمری معمول بوده، چنانچه بایزید بسطامی به جای صوفی، عارف به کار برده و گفته است:

((کمال عارف سوختن او باشد در دوستی حق))

کمترین چیزی که عارف را واجب آمد، آن است که از مال و ملک تبرا کند و حق این است که اگر هر دو جهان

در سر دوستی او کنی هنوز اندک باشد))^۴

۳-۱) رابطه عرفان با اسلام

عرفان در دلبخش (عملی و نظری) خود با دین مقدس اسلام تماس و اصطکاک پیدا می‌کند، زیرا اسلام مانند هر دین و مذهب دیگر و حتی بیشتر از دیگر ادیان و مذاهب روابط انسان را با خودش و خدا و جهان بیان کرده و هم به تفسیر و توضیح هستی پرداخته است. که این مطالب در آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار علیهم السلام به وضوح قابل رویت و استناد است. که می‌توان نمونه‌های زیر را برای مثال بیان کرد:

((وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا)) (اسراء/۷۰)

(ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.)

۴- سید ضیاء الدین سجادی، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، صفحه ۹